مدیریت شهری
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015
۲۸۷-۲۹۸
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۸/۱

ارزیابی و اولویت بندی عوامل کلیدی موثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی ایران و ارائه راهکارهای بهینه (مطالعه موردی: رشته های شهرسازی و علوم تربیتی)

سید کرامت حسینی* – دکترای برنامه ریزی آموزشی، تهران، ایران.
امید تبریزی - کارشناسی ارشد معماری موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی ساریان ساری، ساری، ایران.
محمد تقی حسن زاده - دکترای مدیریت آموزشی، تهران، ایران.

چکیده
پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی ایران و ارائه راهکارهای بهینه انجام گرفت. پژوهش از نوع کاربردی و اکتشافی است و به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیهٔ اساتید و دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و شهرسازی دانشگاه‌های تهران، تربیت‌مدرس و خوارزمی می‌باشند. بدین منظور، از پرسشنامه های بسته به صورت پنج گزینه ای استفاده شده است. حجم نمونه ۳۰۰ نفر برآورد شدکه با استفاده از نمونه گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، از آمار استنباطی (نرم افزارهای SPSS، Excel و Lisrel) استفاده شد که نتایج نشان داد. جو سالم سازمانی و برخورداری از مدیریت کارآمد؛ گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس؛ اصلاح و بهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد استادان؛ تغییر شیوه‌های پذیرش دانشجو؛ بکارگیری شیوه های نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی و بهبود برنامه درسی با تاکید بر کارآفرینی در دانشکده‌های علوم‌تربیتی و شهرسازی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و خوارزمی از دیدگاه استادان و دانشجویان به چه میزان در کیفیت آموزشی مؤثر است.

واژگان کلیدی: کیفیت، آموزش عالی، دانشگاه، جو سالم، ارزشیابی، فناوری آموزشی.

Assessment and prioritization of key factors influencing the increase in the quality of higher education and provide optimal solutions (Case Study: Bachelor of Urban Development and Education)

Abstract
The study aimed to evaluate and prioritize the key factors influencing the increase in the quality of higher education and provide optimized solutions were performed. Research is Applied and exploration and the survey was conducted. The population consists of all the teachers and students of Tehran University of Educational Sciences and Urban Development, and teacher training are BS. For this purpose, a questionnaire has been closed for five options. It was estimated sample size of 300 subjects were selected using stratified sampling. It was estimated sample size of 300 subjects were selected using stratified sampling. To analyze the obtained data, inferential statistics (software SPSS, Excel and Lisrel) was used, the results showed. Organizational safety climate and benefit from effective management; Selection of experienced teachers to teach; Changes in admissions; Using modern methods of teaching and the use of technology to improve teaching and curriculum with an emphasis on entrepreneurship in the School of Education and Planning, University of Tehran, Tarbiat Modarres and BS Of the instructors and students to what extent the quality of education is effective.

Key words: quality, higher education, university, healthy atmosphere, evaluation, educational technology.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۹۸۴۳۷۰، رایانامه: omidtabrizy@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

کیفیت در آموزش عالی یکی از ارکان مهم و حیاتی محسوب می شود که به صورت غیرمستقیم تاثیر شگرفی در سرنوشت کشور دارد؛ چراکه کیفیت می تواند به عنوان ترکیبی از کارایی، بهره وری، اثر بخشی، پاسخگویی، توان نوآوری و وضعیت آموزشی بیان می شود. به عقیده بسیاری از صاحب نظران آموزش عالی وارد دوره جدیدی شده است که رقابت و کیفیت مشخصه های اصلی آن به حساب می آید یکی از چالش های فراروی دانشگاه های هزاره جدید مفهوم کیفیت و انتظاراتی است که گروههای ذی نفع از آموزش عالی برای تضمین و اطمینان از این مفهوم دارند (گیرتز ، ۲۰۰۹). با توجه به پیشرفت علوم و پیچیده شدن جوامع نیازهای فردی و اجتماعی نیز متعدد و متنوع می شود؛ ارضای این نیازها مستلزم استفاده از یافته های علوم و فنون پیشرفته است و این مهم در سایه به کارگیری روش های آموزش مناسب امکان پذیر می باشد (استودارت ، ۲۰۱۲). در بخش آموزش عالی برنامه پنج سال اول دولتی نیز عمده ترین مشخصه آموزش عالی کشور طی ۱۰سال گذشته سیر نزولی شاخصهای کیفی آموزش عالی اعلام شده است (کمیته برنامه ریزی آموزش عالی و تحقیقات، ۱۳۶۸). درحقیقت نتایج چنین تحقیقاتی به مشابه زنگ خطری برای دانشگاه ها و آموزش عالی کشور است. به راحتی نمی توان گذشت در صورتی که کیفیت آموزش عالی و به خصوص دوره کارشناسی ارشد مطلوب نباشد. آینده علمی و فنی کشور اطمینان بخش نخواهد بود. افت کیفیت آموزشی در دوره های کارشناسی ارشد هم چنین به کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص می انجامد و در نتیجه تحقق اهداف برنامه های رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور را با مشکلاتی مواجه می سازد (شفیعی و فتحی، ۱۳۸۶). روشن است که تربیت نیروی انسانی با تخصص بالا در حوزه توسعه کارشناسی ارشد و بالاتر است و با گسترش و تقویت این دوره هاست که می توان گامهای بلند به سوی توسعه منابع انسانی و به تبع آن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برداشت. بنابراین با توجه به مطالب فوق لزوم دقت و توجه به مسئله کیفیت آموزشی دانشگاه ها و بخصوص دوره های کارشناسی ارشد شدیداً احساس شده و ضرورت پژوهش و برنامه ریزی جهت بالا بردن کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد را اجتناب ناپذیر می نماید لذا این پژوهش با طرح این مسئله که با توجه به ابعاد پنجگانه کیفیت خدمات آموزشی شامل: ظاهر خدمت، قابلیت اطمینان بودن خدمت، پاسخگویی خدمت، امنیت، اعتماد خدمت و همدلی خدمت، چه عواملی در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد موثر می باشد؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف آن یک «تحقیق کاربردی» و از حیث نحوه گردآوری داده ها از نوع «تحقیقات توصیفی» (غیرآزمایشی) و از شاخه «مطالعات میدانی» به شمار می آید و از آنجایی که در این تحقیق، محقق به دنبال ارزیابی و اولویت-بندی عوامل کلیدی موثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی ایران و ارائه راهکارهای بهینه در دانشکده های علوم تربیتی و شهرسازی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و خوارزمی می باشد. این تحقیق از نوع «تحقیقات اکتشافی» است و روش انجام آن به صورت «پیمایشی» می باشد. «جامعه آماری» تحقیق شامل کلیهٔ اساتید علوم تربیتی و شهرسازی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و خوارزمی می باشند. جهت تعیین حداقل «حجم نمونه» لازم، از «فرمول کوکران» برای جامعه محدود استفاده گردید، بنابراین حداقل حجم نمونه لازم ۳۰۰ نفر بدست آمد. برای نمونه گیری از «روش نمونه گیری طبقه‌ای» متناسب استفاده شد. گردآوری داده ها از طریق پرسشنامه صورت گرفته است. پرسشنامه تحقیق حاضر شامل دو بخش می شود. بخش نخست مرتبط با ۶ عامل کلیدی مؤثر (جو سالم سازمانی و برخورداری از مدیریت کارآمد، گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس، اصلاح و بهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد استادان، تغییر شیوه های پذیرش دانشجو، بکارگیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی، بهبود برنامه درسی با تاکید بر کارآفرینی) و بخش دوم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مرتبط با کیفیت آموزشی (ارزیابی کیفیت آموزشی شامل پنج بعد ظاهر خدمت، قابلیت اطمینان بودن خدمت، پاسخگویی خدمت، امنیت و اعتماد خدمت و نهایتاً همدلی خدمت می باشد) می باشد. این پرسشنامه شامل ۶۰ سؤال بسته می باشد که روایی صوری این پرسشنامه به تأیید پنج تن از متخصصین این حوزه رسیده و میزان پایایی آن نیز توسط «آزمون آلفای کرونباخ» مورد آزمون قرار گرفت که میزان آن ۰/۷۹ بدست آمد، که نشان دهنده قابلیت اطمینان پرسشنامه می باشد. هر سؤال پرسشنامه در برگیرنده پنج گزینه (شامل خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، و خیلی زیاد) می باشد تا پاسخ دهنده از میان آنان یکی را انتخاب نماید. فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

H1: جو سالم سازمانی و برخورداری از مدیریت کارآمد در دانشگاه از دیدگاه استادان و دانشجویان شهرسازی و علوم تربیتی به چه میزان در کیفیت آموزشی مؤثر است.

H2: گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس در دانشگاه از دیدگاه استادان و دانشجویان شهرسازی و علوم تربیتی به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

H3: اصلاح و بهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد استادان دانشگاه از دیدگاه استادان و دانشجویان شهرسازی و علوم تربیتی به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

H4: تغییر شیوه های پذیرش دانشجو در دانشگاه از دیدگاه استادان و دانشجویان شهرسازی و علوم تربیتی به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

H5: بکار گیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی در دانشگاه از دیدگاه استادان و دانشجویان شهرسازی و علوم تربیتی به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

H6: بهبود برنامه درسی با تاکید بر کارآفرینی در دانشگاه از دیدگاه استادان و دانشجویان شهرسازی و علوم تربیتی به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

یافته های مربوط به فرضیه اول تحقیق

با توجه به خروجی SPSS مندرج در جدول شماره ۲، از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده بین ۱,۵ تا ۲,۵ است می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب به لحاظ برقراری شرط استقلال جملات خطا برخوردار است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می دهد که سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر جو سالم سازمانی و برخورداری از مدیریت کارآمد از خطای نوع اول ۰,۰۵ بدست آمده است. در نتیجه فرض صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵ رد می شود. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای این مؤلفه نشان دهنده ی مثبت بودن رابطه اش با متغیر پاسخ کیفیت آموزشی است. بدین معنی که هرچه جو سالم سازمانی و برخورداری از مدیریت کارآمد در سطح بالاتری باشد، متغیر کیفیت آموزشی نیز مقادیر بزرگتری را اختیار خواهد کرد. مدل رگرسیونی درنظر گرفته شده برای این رابطه را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

کیفیت آموزشی = ۲,۱۵۱ + ۰,۸۲۸ (جو سالم سازمانی وبرخورداری از مدیریت کارآمد) + خطا

همچنین نتایج نرم افزار لیزرل در جدول (۳)، نشان می دهد که جو سالم سازمانی و برخورداری از مدیریت کارآمد با ضریب تاثیر ۰/۳۰و با ارزش T= ۶/۱۱، (P-Value =۰/۰۰۱) به عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی می باشد. لذا در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵، فرضیه صفر رد فرضیه H1 پژوهش با سطح اطمینان ۰,۹۵، مورد تایید قرار گرفته است. بدین صورت که با ازای یک واحد افزایش درمتغیر جو سالم سازمانی وبرخورداری از مدیریت کارآمد شاهد تاثیر ۰/۳۰ بر کیفیت آموزشی خواهیم بود.

یافته های مربوط به فرضیه دوم تحقیق:

با توجه به خروجی SPSS مندرج در جدول شماره ۲، از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده بین ۱,۵ تا ۲,۵ است می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه مدل مذکور از نیکویی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

برازش مناسب به لحاظ برقراری شرط استقلال جملات خطا برخوردار است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می دهد که سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس از خطای نوع اول ۰,۰۵ بدست آمده است. در نتیجه فرض صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵ رد می شود. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای این مؤلفه نشان دهنده مثبت بودن رابطه‌اش با متغیر پاسخ کیفیت آموزشی است. بدین معنی که هرچه جو سالم سازمانی وبرخورداری از مدیریت کارآمد در سطح بالاتری باشد، متغیر کیفیت آموزشی نیز مقادیر بزرگتری را اختیار خواهد کرد. مدل رگرسیونی درنظر گرفته شده برای این رابطه را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

خطا + (گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس) ۰,۵۵۷ + ۴,۳۰۸ = کیفیت آموزشی

همچنین نتایج نرم افزار لیزرل در جدول (۳)، نشان می دهد که گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس با ضریب تاثیر ۰/۷۵و با ارزش ۱۳/۱۰۹ =T، (۰/۰۰۴= P-Value) به عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی می باشد. لذا در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵، فرضیه صفر رد فرضیه H1 پژوهش با سطح اطمینان ۰,۹۵، مورد تایید قرار گرفته است. بدین صورت که با ازای یک واحد افزایش درمتغیر گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس شاهد تاثیر ۰/۷۵ بر کیفیت آموزشی خواهیم بود.

یافته های مربوط به فرضیه سوم تحقیق

با توجه به خروجی SPSS مندرج در جدول شماره ۲، از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده بین ۱,۵ تا ۲,۵ است می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب به لحاظ برقراری شرط استقلال جملات خطا برخوردار است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می دهد که سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر اصلاح وبهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد از خطای نوع اول ۰,۰۵ بدست آمده است. در نتیجه فرض صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵ رد می شود. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای این مؤلفه نشان دهنده ی مثبت بودن رابطه اش با متغیر پاسخ کیفیت آموزشی است. بدین معنی که هر چه جو سالم سازمانی وبرخورداری از مدیریت کارآمد در سطح بالاتری باشد، متغیر کیفیت آموزشی نیز مقادیر بزرگتری را اختیار خواهد کرد. مدل رگرسیونی درنظر گرفته شده برای این رابطه را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

=کیفیت آموزشی

خطا +(اصلاح وبهبود شیوه های ارزشیابی از عملکرد) ۰,۷۰۹ +۲,۴۳۸

همچنین نتایج نرم افزار لیزرل در جدول (۳)، نشان می دهد که اصلاح وبهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد با ضریب تاثیر ۰/۴۴۶و با ارزش ۱۳/۰۴۲ =T، (۰/۰۰۰= P-Value) به عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی می باشد. لذا در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵، فرضیه صفر رد فرضیه H1 پژوهش با سطح اطمینان ۰,۹۵، مورد تایید قرار گرفته است. بدین صورت که به ازای یک واحد افزایش درمتغیر اصلاح وبهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد شاهد تاثیر ۰/۴۴۶ بر کیفیت آموزشی خواهیم بود.

یافته های مربوط به فرضیه چهارم تحقیق

با توجه به خروجی SPSS مندرج در جدول شماره ۲، از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده بین ۱,۵ تا ۲,۵ است می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب به لحاظ برقراری شرط استقلال جملات خطا برخوردار است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می دهد که سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر تغییر شیوه های پذیرش دانشجو از خطای نوع اول ۰,۰۵ بدست آمده است. در نتیجه فرض صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵ رد می شود. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای این مؤلفه نشان دهنده مثبت بودن رابطه‌اش با متغیر پاسخ کیفیت آموزشی است. بدین معنی که هرچه جو سالم سازمانی وبرخورداری از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مدیریت کارآمد در سطح بالاتری باشد، متغیر کیفیت آموزشی نیز مقادیر بزرگتری را اختیار خواهد کرد. مدل رگرسیونی درنظر گرفته شده برای این رابطه را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

= کیفیت آموزشی

خطا + (تغییر شیوه های پذیرش دانشجو) ۰,۳۴۹ + ۴,۶۶۲

همچنین نتایج نرم افزار لیزرل در جدول (۳)، نشان می دهد که تغییر شیوه های پذیرش دانشجو با ضریب تاثیر ۰/۴۶۸و با ارزش T= ۱۳/۱۰۱، (P-Value =۰/۰۰۰) به عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی می باشد. لذا در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵، فرضیه صفر رد فرضیه H1 پژوهش با سطح اطمینان ۰,۹۵، مورد تایید قرار گرفته است. بدین صورت که با ازای یک واحد افزایش درمتغیر تغییر شیوه های پذیرش دانشجو شاهد تاثیر ۰/۴۶۸ بر کیفیت آموزشی خواهیم بود.

یافته های مربوط به فرضیه پنجم تحقیق

با توجه به خروجی SPSS مندرج در جدول شماره ۲، از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده بین ۱,۵ تا ۲,۵ است می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب به لحاظ برقراری شرط استقلال جملات خطا برخوردار است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می دهد که سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر بکارگیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی از خطای نوع اول ۰,۰۵ بدست آمده است. در نتیجه فرض صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵ رد می شود. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای این مؤلفه نشان دهنده مثبت بودن رابطه اش با متغیر پاسخ کیفیت آموزشی است. بدین معنی که هرچه بکارگیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی در سطح بالاتری باشد، متغیر کیفیت آموزشی نیز مقادیر بزرگتری را اختیار خواهد کرد. مدل رگرسیونی درنظر گرفته شده برای این رابطه را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

= کیفیت آموزشی

خطا + (بکار گیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی) ۰,۸۱۱ + ۲,۱۰۱

همچنین نتایج نرم افزار لیزرل در جدول (۳)، نشان می دهد که بکار گیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی با ضریب تاثیر ۰/۴۱۱ و با ارزش T= ۱۱/۵۴۲، (P-Value =۰/۰۰۰) به عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی می باشد. لذا در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵، فرضیه صفر رد فرضیه H1 پژوهش با سطح اطمینان ۰,۹۵، مورد تایید قرار گرفته است. بدین صورت که با ازای یک واحد افزایش در متغیر بکارگیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی شاهد تاثیر ۰/۴۱۱ بر کیفیت آموزشی خواهیم بود.

یافته های مربوط به فرضیه ششم تحقیق

با توجه به خروجی SPSS مندرج در جدول شماره ۲، از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده بین ۱,۵ تا ۲,۵ است می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب به لحاظ برقراری شرط استقلال جملات خطا برخوردار است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می دهد که سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر بهبود برنامه درسی با تاکید بر کارآفرینی از خطای نوع اول ۰,۰۵ بدست آمده است. در نتیجه فرض صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰,۰۵ رد می شود. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای این مؤلفه نشان دهنده مثبت بودن رابطه اش با متغیر پاسخ کیفیت آموزشی است. بدین معنی که هرچه بهبود برنامه درسی با تاکید بر کار آفرینی در سطح بالاتری باشد، متغیر کیفیت آموزشی نیز مقادیر بزرگتری را اختیار خواهد کرد. مدل رگرسیونی درنظر گرفته شده برای این رابطه را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

= کیفیت آموزشی

خطا + (بهبود برنامه درسی با تاکید بر کار آفرینی) ۰,۵۴۷ + ۳,۲۹۱

همچنین نتایج نرم افزار لیزرل در جدول (۳)، نشان می دهد که بهبود برنامه درسی با تاکید بر کار آفرینی با

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. نتایج برازش مدل رگرسیونی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

فرضیه	ضریب رگرسیونی	عرض از مبدا	آماره دوربین واتسون	سطح معناداری P-Value	نتیجه آزمون
اول(H1)	۰.۸۲۸	۲.۱۵۱	۲/۰۳۸	۰/۰۰۰	معنادار
دوم(H2)	۰.۵۵۷	۴.۳۰۸	۱/۷۸۶	۰/۰۰۱	معنادار
سوم(H3)	۰.۷۰۹	۲.۴۳۸	۲/۴۳۸	۰/۰۰۰	معنادار
چهارم(H4)	۰.۳۴۹	۴.۶۶۲	۱/۸۸۳	۰/۰۰۳	معنادار
پنجم(H5)	۰.۸۱۱	۲.۱۰۱	۲/۱۸۱	۰/۰۰۰	معنادار
ششم(H6)	۰.۵۴۷	۳.۲۹۱	۱/۲۴۸	۰/۰۰۰	معنادار

جدول ۲. نتایج محاسبات و تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

فرضیه	ضریب مسیر β	آماره معناداری T-Value	سطح معناداری P-Value	نتیجه آزمون
اول(H1)	۰/۳۰	۶/۱۱	۰/۰۰۱	معنادار
دوم(H2)	۰/۷۵	۱۳/۱۰۹	۰/۰۰۴	معنادار
سوم(H3)	۰/۴۴۶	۱۳/۰۴۲	۰/۰۰۰	معنادار
چهارم(H4)	۰/۴۶۸	۱۳/۱۰۱	۰/۰۰۰	معنادار
پنجم(H5)	۰/۴۱۱	۱۱/۵۴۲	۰/۰۰۰	معنادار
ششم(H6)	۰/۴۲۹	۱۲/۰۸۹	۰/۰۰۱	معنادار

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مولفه	رتبه	میانگین رتبه
جو سالم سازمانی وبرخورداری از مدیریت کارآمد	۱	۳.۷۲
گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس	۲	۳.۴۴
اصلاح و بهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد استادان	۴	۲.۶۰
تغییر شیوه های پذیرش دانشجو	۶	۲.۱۱
بکارگیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی	۳	۲.۷۱
بهبود برنامه درسی با تاکید بر کارآفرینی	۵	۲.۲۹
آماره خی-دو آزمون: ۶۹/۳۲۷ سطح معناداری:۰/۰۰۰		

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ضریب تاثیر ۰/۴۲۹و با ارزش T= ۱۲/۰۸۹، (۰/۰۰۱= P-Value) به عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی می باشد. لذا در سطح خطای نوع اول ۰،۰۵، فرضیه صفر رد فرضیه H1 پژوهش با سطح اطمینان ۰،۹۵، مورد تایید قرار گرفته است. بدین صورت که با ازای یک واحد افزایش در متغیر بهبود برنامه درسی با تاکید بر کارآفرینی شاهد تاثیر ۰/۴۲۹ بر کیفیت آموزشی خواهیم بود.

در نهایت نتایج آزمون فریدمن همانگونه که در جدول (۴) نشان می دهد، عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی از نظر اهمیت دارای تفاوت معناداری می باشند. مولفه جو سالم سازمانی وبرخورداری از مدیریت کارآمد دارای بیشترین اهمیت و به ترتیب اهمیت رتبه های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم متعلق به عامل های گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس، بکارگیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی، اصلاح و بهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد استادان، بهبود برنامه درسی با تاکید بر کار آفرینی، تغییر شیوه های پذیرش دانشجو می باشد. در این پژوهش برای بررسی میزان کیفیت خدمات از پنج بعد شامل ظاهر خدمت، قابلیت اطمینان بودن خدمت، پاسخگویی خدمت، امنیت و اعتماد خدمت و نهایتاً همدلی خدمت استفاده شده است.

نتیجه‌گیری و جمعبندی

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل سوال اول تحقیق اساتید و دانشجویان برقراری جو اسلامی، انسانی و احترام آمیز در محیط دانشگاه تاکید بر کیفیت آموزشی و سعی در بالا بردن استانداردهای علمی و آموزشی دانشگاه (با احداث کتابخانه، مراکز یادگیری کارگاه های کار علمی و...) نفی هرگونه تهدید، خشونت و رفتار مستبدانه در محیط دانشگاه، عدم تبعیض بین اعضای هیات علمی در استفاده از مسولیتها، امکانات و بورسها و فرصتهای مطالعاتی، استفاده از تکنیک های مدیریت مشارکتی و شورایی در اداره امور دانشگاه، تاکید بر جنبه های غنای علمی در انتخاب رئیس دانشگاه، دانشکده و مدیران گروههای آموزشی، تاکید بر جنبه درجه دانشگاهی در انتخاب رئیس دانشگاه، دانشکده و مدیران گروههای آموزشی، تاکید بر جنبه مدیریت قوی در انتخاب رئیس دانشگاه، دانشکده و مدیران گروههای آموزشی، تاکید بر جنبه توانایی در ایجاد روابط انسانی با اعضای هیات علمی و دانشجویان انتخاب رئیس دانشگاه، دانشکده و مدیران گروههای آموزشی، ایجاد امکاناتی برای جذب اساتید ممتاز از سایر مراکز علمی داخل و خارج از کشور، اعمال مدیریت صحیح در دانشکده ها به هنگام بروز اختلاف میان استاد و دانشجو، فراهم ساختن فضای آموزشی کافی و مناسب در هر دانشکده و برنامه ریزی دراز مدت برای تربیت استاد را به میزان خیلی زیاد و زیاد موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می دانند. به طور کلی با توجه به این که کلیه موارد مطرح شده در رابطه با این سوال اول می توان ادعا نمود که جو سالم سازمانی وبرخورداری از مدیریت کارآمد در دانشگاه‌ها از دیدگاه استادان و دانشجویان به چه میزان در کیفیت آموزشی مؤثر است. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل سوال دوم تحقیق اساتید و دانشجویان گزینش استاد بر اساس پژوهشها و تحقیقات و تالیفات وی، گزینش استاد بر اساس دانش تخصصی و حرفه ای وی، گزینش استاد بر اساس امتیازات و شایستگی های حرفه ای وی در طول دوران تحصیلات دانشگاهی او و گزینش استاد بر اساس خبرگی و علاقه وی به تدریس و بحث و گفتگو با دانشجویان را به میزان خیلی زیاد و زیاد موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می دانند. همچنین دادن اختیار انتخاب اساتید دروس به دانشجویان کارشناسی ارشد به اعتقاد دانشجویان به میزان خیلی زیاد و زیاد موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می باشد. در مقابل اساتید دادن اختیار انتخاب اساتید دروس به دانشجویان کارشناسی ارشد را به میزان کم و خیلی کم موثر دانسته اند. گزینش استاد بر اساس پژوهشها، تحقیقات و تالیفات وی برای تدریس در دوره های کارشناسی ارشد نقش بسزایی در رشد و توسعه کیفیت آموزشی این دوره ها خواهد داشت. در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

این مقطع، پژوهش و تحقیق اهمیت بیشتر نسبت به مقاطع پایین تر پیدا می کند، لذا مسئولین دانشگاه برای گزینش اساتید این دوره ها باید اساتیدی که دارای پژوهش و تالیفات متعدد هستند را ترجیح دهند، تا به غنی علمی دوره های کارشناسی ارشد افزوده گردد. گزینش استاد بر اساس دانش تخصصی و شایستگیهای حرفه ای وی نیز موثر در افزایش کیفیت آموزشی می باشد. بسیاری از اوقات کمبود کادر علمی در مراکز آموزشی، مسئولین را در سطح دانشگاه ناچار می سازد که از اساتیدی به منظور تدریس برخی دروس که در تخصص آن ها نیست، استفاده نمایند. آنچه در دانشگاه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که هر کس در رشته ای که تخصص دارد و تحصیل کرده به تدریس بپردازند؛ لذا عدم احاطه کامل به تمام جنبه ها و ابعاد یک درس مطمئنا باعث عدم آگاهی از منابع مربوطه و زوایای ناشناخته درس گردیده و دانشجویان آن گونه که شایسته است نمی توانند آنچه در خود فهم و بصیرت نسبت به هر درس می باشد را فرابگیرند. به طور کلی با توجه به این که کلیه موارد مطرح شده در رابطه با این سوال اول می توان ادعا نمود که گزینش استادان با تجربه و متخصص برای تدریس در دانشگاه‌ها از دیدگاه استادان و دانشجویان به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل سوال سوم تحقیق، برقراری نظام ارزشیابی از عملکرد اساتید مبتنی در نظر خواهی از همکاران هم ردیف وی به اعتقاد دانشجویان به میزانی خیلی زیاد موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد شناخته شده است. درحالی که اساتید عامل فوق را به میزان کم و خیلی کم موثر دانسته‌اند. اهمیت دادن به ارزشیابیهایی که عملکرد اساتید از طریق نظرخواهی از دانشجو صورت می گیرد به اعتقاد دانشجویان به میزان خیلی زیاد و زیاد موثر درافزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد شناخته شده است. اساتید عامل فوق الذکر را به میزان کم وخیلی کم موثر دانسته‌اند. این که چرا اساتید مایل نبوده‌اند تا به وسیله دانشجویان ارزشیابی شوند؟ پاسخ این سوال را عمدتاً باید در مسائلی نظیر محتوای فرم ارزشیابی و شیوه های اجرای آن دریافت. در زمینه تهیه فرم ارزشیابی و چگونگی اجرا و همچنین تعداد دفعات آن، تحقیقات زیادی صورت گرفته است. متاسفانه نتایج حاصله از این شیوه ارزشیابی یا نتایج تحقیقات انجام شده، مطابقت ندارد. گروهی از این تحقیقات نشان دهد که متغیرهای زیادی ازجمله مقطع تحصیلی دانشجو، سن و جنس دانشجو و استاد، عمومی بودن یا تخصصی بودن درس، مدرک تحصیلی استاد، تجربه تدریس استاد، میزان جمعیت کلاس و... بر نتایج ارزشیابی اثر گذاشته و باید هنگام تهیه فرم ارزشیابی به آن ها توجه گردد، زمانی اجرای فرم یعنی درچه زمانی در بین ترم و یا در چه ساعتی، میزان اطلاعات دانشجویان درباره فرم ارزشیابی و علل انجام آن و فضای حاکم بر کلاس درس و بسیاری از موضوعات دیگر بر نتایج ارزشیابی تاثیر می گذارد، که باید برای یک ارزشیابی عادلانه و دقیق به تمامی آنها توجه کافی مبذول گردد. بنابراین علت مخالفت اساتید با ارزشیابیهای فعلی را به محتوای فرم موجود و شیوه اجرای آن باید نسبت داد. انجام ارزشیابی جامع و مستمر از فعالیتهای علمی اساتید توسط مدیران گروههای آموزشی، دانشکده و دانشگاه به اعتقاد بیشتر دانشجویان بهمیزان خیلی زیاد و زیاد موثر شناخته شده است. استادان عامل فوق را به میزان کم و خیلی کم موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می دانند. انجام ارزشیابی های جامع و مستمر از فعالیتهای علمی استادان توسط گروههای تخصصی وعلمی، انجام ارزشیابی جامع و مستمر از فعالیتهای علمی اساتید توسط کمیته های تحصیلات تکمیلی در سطح دانشکده و دانشگاه و انجام ارزشیابی جامع از فعالیتهای علمی اساتید توسط شوراهای آموزشی و پژوهشی دانشکده ها و دادن مسولیتهای بیشتر به گروه های آموزشی در دانشکده ها برای کنترل کمی و کیفی عملکرد اساتید در زمینه های آموزشی، تدریس وارزشیابی دانشجویان از جمله عواملی هستند که به اعتقاد بیشتر اساتید و دانشجویان موثر درافزایش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می باشند. ارزشیابیهایی که توسط گروه تخصصی و شوراهای آموزشی و پژوهشی دانشکده ها وکمیته های تحصیلات تکمیلی در سطح دانشکده و دانشگاه انجام می گیرد و مطمئنا حاوی نقاط قوت و ضعف عملکرد اساتید خواهد بود، لذا می توانند در ارائه نکات مثبت و منفی آموزش نقش سازنده داشته باشند و با گوش زد کردن آن ها به اساتید و اصلاح آن ها، در ارتقا کیفیت آموزشی موثر واقع شوند. به طور کلی با توجه به این که کلیه موارد مطرح شده در رابطه با این سوال اول می توان ادعا نمود که اصلاح و بهبود شیوهای ارزشیابی از عملکرد استادان دانشگاه‌ها از دیدگاه استادان و دانشجویان به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل سوال چهارم تحقیق اساتید و دانشجویان استفاده از مصاحبه علمی به عنوان یک شیوه تکمیلی در گزینش دانشجو برای دوره های کارشناسی ارشد، گزینش دانشجو به روش غیر متمرکز و تجدید نظر در شیوه گزینش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد با گنجانیدن شرط معدل دوره کارشناسی با ضرایب بالاتر را به میزان خیلی کم و کم موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد دانسته اند. و تجدید نظر در شیوه گزینش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد با کاهش نرخ سهمیه فعلی دانشگاهی و تجدید نظر در شیوه گزینش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد با تاکید بیشتر بر معیارهای علمی و داوطلبان را به میزان خیلی زیاد و زیاد موثر در افزایش کیفیت دوره های کارشناسی ارشد دانسته‌اند. گزینش دانشجو به روش غیر متمرکز و استفاده از مصاحبه به عنوان یک شیوه تکمیلی در گزینش دانشجو برای دوره‌های کارشناسی‌ارشد مورد مخالفت اساتید و دانشجویان قرارگرفته است. علت این که اساتید و دانشجویان اعتقاد چندانی به این دو شیوه گزینش دانشجو ندارند شاید این باشد که آن ها تصور می کنند که به هنگام پذیرش دانشجو برخی روابط و مسائل شخصی جای ضوابط و مقررات را بگیرد و حقوق افراد لایق و شایسته برای ورود به این دوره ها ضایع گردد. کاهش نرخ سهمیه های فعلی دانشگاهی مورد موافقت اساتید و دانشجویان قرار گرفته است. روند گزینش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد شاهد اختصاص سهمیه های مختلف دانشگاهی نظیر سهمیه مربیان، ایثارگران و... می باشیم. اگر چه برخی از این سهمیه ها فی نفسه ارزشمند می باشند، لیکن چناچه تحقیقاتی در مورد اثرات دراز مدت و کوتاه مدت این سهمیه ها صورت گیرد چه بسا که برخی از آنها به لحاظ حفظ تعلیمات دانشگاهی منسوخ گردیده یا به شیوه های مفیدتری تبدیل گردد. بنابراین اساتید و دانشجویان با کاهش نرخ سهمیه های دانشگاهی موافق می باشند. اساتید و دانشجویان با تاکید بیشتر بر معیارهای علمی داوطلبان جهت گزینش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد موثر در افزایش کیفیت آموزشی می دانند. در کشورهایی مانند کشور ما که پاسخگویی به این نیاز روز افزون نسل جوان برای تحصیل در دانشگاه مشکل بوده و شاید یکی از معضلات نظام حکومتی هم محسوب شود، برای رعایت عدالت اجتماعی و همچنین ایجاد رقابت سالم، مساله گزینش بهترینها برای تحصیل در دانشگاه مطرح می گردد، لذا چناچه برای انتخاب چنین افرادی معیارهای علمی به عنوان پارامتر قوی در نظر گرفته شود و صرفا کسانی وارد این دوره ها شوند که قدرت فهم و بصیرت بیشتر و توان ادامه تحصیل در مراحل بالاتر را داشته باشند. قطعا چنین منجر به افزایش کیفیت آموزشی این دوره ها خواهد شد. به طور کلی با توجه به این که کلیه موارد مطرح شده در رابطه با این سوال اول می توان ادعا نمود که تغییر شیوه های پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها از دیدگاه استادان و دانشجویان به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل سوال پنجم تحقیق، ایجاد دوره های بازآموزی و روش‌های نوین تدریس وا رزشیابی برای اساتید دوره های کارشناسی ارشد به اعتقاد بیشتر دانشجویان و اساتید موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می باشد. روش تدریس و نوع ارزشیابی هایی که از دانشجویان هر درس توسط اساتید

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

به عمل می آید درکیفیت آموزشی بسیار موثر است. چه بسا یک روش تدریس باعث تحرک و پویایی دانشجو شود و بر عکس روش تدریس دیگری موجب رکود ذهنی و فکری دانشجو شود و نهایتا کیفیت آموزشی را تنزل دهد. چناچه با ایجاد دوره های بازآموزی بتوان روش تدریس و ارزشیابی اساتید را بهبود بخشید می توان امیدوار بود که به موازات آن کیفیت آموزشی ارتقا یابد. متناسب بودن تعداد دانشجویان درکلاسهای دوره های کارشناسی ارشد و اهمیت دادن به کارهای عملی و تحقیقاتی دانشجویان کارشناسی ارشد نیز اعتقاد اساتید و دانشجویان موثر درافزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد شناخته شده اند. در بین تحقیقات دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد فعالیت های چشم گیر علمی و تحقیقاتی به چشم می خورد که چناچه دانشگاه بتواند سیاستهای تشویقی مناسب و منطبق بر موازین علمی تدوین نمایند علاوه بر کمک هایی که اینگونه پژوهش ها و فعالیتها به جامعه علمی خواهند نمود، موجب می شوند رقابت سالم و سازنده ای بین دانشجویان به وجود آید، که نفع نهایی آن ارتقا سطح علمی و آموزشی دانشگاه و استفاده از آنها درحل مسائل جامعه خواهد بود. ترویج فرهنگ بحث و گفتگو در کلاسهای کارشناسی ارشد و تشویق دانشجویان به تفکر تحلیلی و انتقادی، و برقراری امتحان جامع در پایان دوره کارشناسی ارشد و تعیین شرط احراز موفقیت در سطح بالا (نمرات ۲۰-۱۷) برای فارغ التحصیل شدن به اعتقاد بیشتر اساتید و دانشجویان موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می باشد. سیستم واحدی ارائه درس امروزه در بیشتر دانشگاه های جهان ارائه می شود. در دانشگاه های ایران نیز این سیستم معمول می باشد و دانشجویان موظف به گذراندن تعدادی واحد درسی برای فارغ التحصیل شدن هستند. این امر سبب می شود که تاحدودی رابطه بین واحدهای درسی روشن نشده و دانشجو دید کلی نسبت به بسیاری از یافته های خود پیدا نکند. یکی از راههای مقابله با این مسئله انجام ارزشیابی جامع از کل آموخته های دانشجویان در پایان تحصیل دراین دوره هاست که مطمئنا به ارتقا کیفیت آموزشی این دوره ها کمک خواهند نمود. بالابردن ملاک قبولی دروس دوره کارشناسی ارشد به حداقل ۱۴ از ۲۰ به اعتقاد بیشتر دانشجویان کارشناسی ارشد و اساتید موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد نمی باشد. حذف امتحانات دروس از شکل فعلی آن و ارائه پروژه های تحقیقاتی خارج از کلاس به جای آن به اعتقاد اساتید به میزان کم و خیلی کم موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می باشد، ولی دانشجویان این عامل را به میزان خیلی زیاد و زیاد موثر دانسته اند. در آموزش و یادگیری همواره دو مساله یادگیری نسبی و یادگیری مطلق مدنظر و مورد بحث صاحب نظران تربیتی بوده است. چنانچه پایه های سیستم آموزش رسمی از دبستان تا دانشگاه بر مبنای یادگیری نسبی باشد افت تحصیلی بیش از زمانی است که سیاست یادگیری مطلق بر نظام آموزشی حاکم باشد. به همین دلیل تصور می شود که چنانچه در ساختار آموزشی دانشگاه ملاک قبولی دروس دوره کارشناسی ارشد به میزان چند نمره معقول بالابرده شود سبب افزایش تلاش و کوشش دانشجویان خواهد شد و احتمال دارد که در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد موثر باشد. با این حال نظر اساتید و دانشجویان غیر از این می باشد و با بالابردن ملاک قبولی دروس دوره های کارشناسی ارشد به حداقل ۱۴ از ۲۰ مخالف می باشند. به طور کلی با توجه به این که کلیه موارد مطرح شده در رابطه با این سوال اول می توان ادعا نمود که بکارگیری شیوهای نوین تدریس و استفاده از فناوری آموزشی در دانشگاه‌ها از دیدگاه استادان ودانشجویان به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل سوال ششم تحقیق، غنی سازی مستمر و مداوم محتوای جزوات درسی و تجدید نظر در آن ها به منظور حذف مطالب کهنه و تکراری، تجدید نظر در متون درسی دوره های کارشناسی ارشد از طریق ایجاد مرکزیت مستقل و قوی نشر دانشگاهی برای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

تدوین دروس دوره های کارشناسی ارشد، تجدید نظر در متون درسی دوره های کارشناسی ارشد با تدوین متون درسی این دوره هایی توسط گروهی اساتید مجرب و طراز اول کشور در هر رشته، تجدید نظر در متون درسی دوره های کارشناسی ارشد با در نظر گرفتن ارتباط موضوعات درسها با نیازهای جامعه، اعطای اختیار بیشتر به اساتید جهت انتخاب منابع درسی در دوره های کارشناسی ارشد و به اعتقاد بیشتر اساتید و دانشجویان به میزان خیلی زیاد و زیاد موثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد می باشند. ایجاد مرکزیت مستقل و قوی نشر دانشگاهی برای تدوین دروس این دوره ها قطعا از غنی علمی بیشتری برخوردار است و در عین حال ارزشیابی کیفی از کار دانشگاه ها را با مقیاس آموخته های دانشجویان این دوره میسر می سازد. اگر چه تمرکزگرایی دارای نارساییها و معایبی می باشد، اما تصور می شود که این امر به رشد کیفیت آموزشی این دوره ها کمک خواهد کرد. تدوین متون درسی توسط گروهی از اساتید افزایش یابد و همچنین مشارکت علمی بین اساتید دانشگاه ها باعث غنای کتب و منابع درسی می گردد. در خصوص اهمیت ارتباط میان برنامه درسی با نیازهای جامعه باید اذعان داشت که در صورت بی توجهی به آن ها نه تنها برنامه درسی بلکه کل نظام آموزشی زیر سوال خواهد رفت در این زمینه امبو[۱۳] خاطر نشان می کند که: «سازمانهای امروزی به طور اعم و مراکز آموزشی به طور اخص به علت ناتوانی در پاسخگویی مناسب و قابلیت انعطاف پذیری نسبت به نیازهای محیط خود مورد اعتراف و ستیز قرار می گیرند». مخالفت مردم ژاپن در دوران حکومت می جی با سیستم آموزشی این کشور که بعلت عدم انطباق برنامه های درسی آن با نیاز های جامعه ژاپنی صورت گرفت، نمونه ای از این اعتراض است. بنابراین انطباق برنامه درسی این دوره ها با نیاز جامعه می توان کیفیت آموزشی را در این دوره ها افزایش داد. اعطای اختیار بیشتر به اساتید جهت انتخاب منابع متون درسی دوره های کارشناسی ارشد نیز رشد و توسعه کیفی آموزشی را به دنبال خواهد داشت، زیرا هر استادی می داند که ارزشیابی ازعملکرد او تا حدی بستگی به محتوای درسی او دارد و لذا دائماً درحال متحول و غنی نمودن منبع درسی خویش و ارائه آخرین ره آوردهای علمی در رشته خود به دانشجویان است. به طور کلی با توجه به این که کلیه موارد مطرح شده در رابطه با این سوال اول می توان ادعا نمود که بهبود برنامه درسی با تاکید بر کار آفرینی در دانشگاهها از دیدگاه استادان و دانشجویان به چه میزان در افزایش کیفیت آموزشی مؤثر است.

پیشنهادات

• اهتمام ورزیده شود تا محیط دانشگاه از جوی اسلامی و احترام آمیز و علمی و دور از هر گونه اعمال خشونت آمیز و رفتار خود کامه برخوردار گردد. و از هر گونه تبعیض بین اعضای هیات علمی دراستفاده از مسولیتها و امکانات و بورسها و فرصتهای مطالعاتی جلوگیری به عمل آید.

• در انتخاب و انتصاب مسئولان دانشگاه، دانشکده و مدیران گروههای آموزشی توجه و دقت بیشتری لحاظ گردد و به داشتن مدیریت قوی و توانایی در ایجاد روابط انسانی بین اساتید و دانشجویان به هنگام انتخاب رئیس دانشگاه، دانشکده و مدیران گروههای آموزشی تاکید بیشتری گردد.

• مسولین دانشگاه جهت اداره بهتر امور دانشگاه وحل و فصل رضایت بخش مسائل لازم است که از تکنیکهای مدیریت مشارکتی و شورایی در اداره امور دانشگاهی (اداری، پژوهشی، آموزشی، دانشجویی و...) بهره جویند.

• فضای آموزشی و پژوهشی مناسب و کافی در هر دانشکده از طریق ایجاد کتابخانه های و مراکز یادگیری و کارگاههای کار علمی فراهم گردد.

• با ایجاد امکانات تسهیلات رفاهی برای اساتید و خانواده های آن ها و اعطای کمکهای مالی به آنها درجهت برقراری یک زندگی متعارف، زمینه را جهت جذب اساتید ممتاز از سایر مراکز علمی داخل و خارج کشور به دانشگاه فراهم کنیم.

• با تامین نیازمندیهای زندگی اساتید موجب گردد که طیف اشتغالات آنان همچون اشتغالات اجرایی و تدریس

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

اضافی محدود گردد.

• امکانات و تسهیلات لازم و کافی جهت شرکت اساتید در سمینارها و فرصتهای مطالعاتی داخل و خارج کشور با در اختیار گذاشتن بودجه کافی برای اساتید در رابطه با سفرهای علمی فراهم گردد.

• در رابطه با شیوه های ارزشیابی از عملکرد اساتید لازم است که از فعالیتهای علمی اساتید توسط گروههای تخصصی و علمی، کمیته های تحصیلات تکمیلی در سطح دانشکده و دانشگاه و همچنین شوراهای آموزشی و پژوهشی دانشکده ها ارزشیابی جامع و مستمر به عمل آید.

• در رابطه با شیوه های گزینش دانشجو درمقاطع مختلف لازم است که نرخ سهمیه های فعلی دانشگاهی مثل سهمیه ایثارگران، مربیان و... کاهش یابد و تاکید بیشتری بر معیارهای علمی و گزینش داوطلبان این دوره ها گردد.

• به دانشجویان و نظرات سازنده آن ها به ویژه درحل و فصل امور دانشجویی و آموزشی توجه بیشتری مبذول گردد تا دانشجویان بتوانند درامور آموزشی و دانشجویی که مربوط به آن ها است اظهار نظر نمایند.

منابع و ماخذ

امبو، احمد مختار (۱۳۸۹) مسائل جهان دورانهای آینده. مترجم: محمد رضا صالح پور. تهران: انتشارات سازمان برنامه بودجه.

شفیعی، ناهید (۱۳۸۶) ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. شماره۵.

شفیعی، ناهید و فتحی، کوروش (۱۳۸۶) ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (در مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان). فصلنامه مطالعات برنامه درسی. سال دوم، شماره ۵.

صافی،احمد (۱۳۸۷) ارزشیابی کارکنان آموزشی در آموزش و پرورش. تهران. انتشارات معاونت تامین و تربیت نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش.

صانعی، ناهید (۱۳۸۹) ارزشیابی معلم توسط شاگرد. نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان. شماره ۴.

قرائی مقدم، امان (۱۳۸۷) مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات امجد.

کمیته برنامه ریزی آموزش عالی و تحقیقات (۱۳۶۸) کتاب برنامه بخش آموزش عالی و تحقیقات. جلد اول.

گلنام، غلام. مرادی، حسین (۱۳۸۵) نگاهی کوتاه به آموزش و پرورش در ژاپن. مجله پژوهش و توسعه. شماره ششم.

• Girtz Suzann. (2009). "Understanding educational change through the lens of complexity science". Gonzaga University.

• Parasuraman، A. ، Zeithaml، V. and Berry، L. L. (1994). "Alternative scale for measuring service quality: a comparative assessment based on psychometric and diagnostic criteria." Journal of retailing، 70، 207-230.

• Saghaei, A. & A. Kavoosi (2008). "Customer Satisfaction Measurement Methods." Sabzan Publications, Tehran, Iran (in Persian).

• Stoddart. Jill K. (2012).، Using research and outcome data to improve educational services and supports for young people in care: A case study of a local children's aid society in Ontario. Children and Youth Services Review. Volume 34، Issue 6، Pages 1154–1160.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]